

Investigating the Institution of Repentance from the Perspective of Iranian Penal Code, Sharia, Documents and Verdicts of International Criminal Courts

Azam Khoshsurat^{*}

Bahareh Borumand Amin^{**}

(Received on: 2020-03-02; Accepted on: 2021-01-10)

Abstract

In Iranian criminal law, sharia and the documents of international criminal courts, the institution of repentance is one of the most desirable methods of return and remorse of criminals and rehabilitation of their personality, which leads to the elimination or reduction of punishment. This influential institution, which was approved in 2014 following the famous verdicts of Imami jurists in Articles 114 to 119, occurs, without the need for any special legal formalities, only through the serious and real will of the offender to leave sin. To enforce it, however, the legislature has enacted rules such as heartfelt repentance, non-delay, genuine remorse, and a serious determination to seek redress. But in the documents and verdicts of the international criminal courts, there is no reference to the institution of repentance, and only remorse is considered as one of the mitigating qualities, which is very similar to the institution of repentance in Iranian law. According to the penal code, the scope of repentance is in the majority of hadd offences, but in tazir offences, it can be applied as mitigation of punishment and rarely as the fall of punishment. This is provided in the formal rules. Hence, the courts have a clear position in the face of the institution of repentance.

Keywords: Repentance, Punishment, Mitigating Qualities, Elimination of Punishment, Iranian Criminal Law, International Documents.

* Assistant Professor, Faculty of Women and Family, University of Religions and Denominations, Qom, Iran (Corresponding Author), a.khoshsurat@urd.ac.ir.

** PhD Student in Women Studies, University of Religions and Denominations, Qom, Iran, baharehboroumand@gmail.com.

پژوهش نامه مذاهب اسلامی

سال هشتم، شماره شانزدهم، پاییز و زمستان ۱۴۰۰، ص ۳۰۷-۳۲۳ «مقاله پژوهشی»

بررسی نهاد توبه از منظر قوانین جزایی ایران، شرع، اسناد و آرای محاكم کیفری بین المللی

اعظم خوش صورت موفق*

بهاره برومند امین**

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۲۱]

چکیده

در حقوق کیفری ایران، شرع و اسناد محاکم کیفری بین المللی، نهاد توبه به عنوان یکی از مطلوب ترین روش های بازگشت و ندامت مجرمان و بازپروری شخصیت آنان منجر به سقوط یا تخفیف میزان مجازات می شود. این نهاد تأثیرگذار که در سال ۱۳۹۲ به تبعیت از آرای مشهور فقهای امامیه در ماده ۱۱۴ تا ۱۱۹ به تصویب رسید، صرفاً با اراده جدی و واقعی مجرم بر ترک گناه و بدون نیاز به هیچ گونه تشریفات خاص حقوقی اتفاق می افتد، اما قانون گذار برای اجرایی شدنش قواعدی مانند ادبار قلبی از جرم، عدم تراخی، ندامت واقعی و عزم و اراده جدی برای جبران را وضع کرده است. اما در اسناد و آرای محاکم کیفری بین المللی اشاره ای به نهاد توبه نشده، فقط ندامت و پشیمانی یکی از کیفیات مخففه محسوب شده است که قرابت شکلی فراوانی با نهاد توبه در قوانین ایران دارد. گستره عملکرد توبه بر اساس قانون جزا در غالب جرایم حدی است، اما در تعزیرات به نحو تخفیفات مجازاتی و به ندرت در سقوط مجازات قابل اعمال است. این موضوع در قوانین شکلی پیش بینی شده است. از این رو دادگاهها در مواجهه با نهاد توبه وضعیت روشنی دارند.

کلیدواژه ها: توبه، کیفر، کیفیات مخففه، سقوط مجازات، حقوق جزای ایران، اسناد بین المللی.

* استادیار دانشکده زن و خانواده، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران (نویسنده مسئول)

A.khoshsorat@urd.ac.ir

** دانشجوی دکتری مطالعات زنان، دانشگاه ادیان و مذاهب، قم، ایران baharehboroumand@gmail.com

مقدمه

یکی از ویژگی‌های طبیعی زندگی انسان بزهکاری است که همه جنبه‌های زندگی را متأثر می‌کند. رهیافت جرم‌شناسی دورکیمی که بر این اندیشه پافشاری می‌کند، به طبیعی بودن بزهکاری در همه زمان‌ها و مکان‌ها باورمند است. از این‌رو، شناسایی مناسب‌ترین و کارآمدترین شیوه‌ها برای پاسخ‌دهی به جرایم یکی از بنیادی‌ترین وظایف حاکمیت‌ها بوده و ارزیابی جرم‌شناختی معیارهای به‌زمانمداری و حکمرانی مطلوب نیز از این راه انجام می‌شود (حسانی و دیگران، ۱۴۰۰: ۲۷).

در هنگام برنامه‌ریزی کنش‌های نظام عدالت کیفری در برابر پدیده‌های گوناگون بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی باید در نظر داشت که همه انسان‌ها در طول زندگی‌شان در ارتکاب رفتارهای جامعه‌ستیزانه مشارکت دارند (Piquero, 2016: 16). بنابراین، لازم است نظام‌های عدالت کیفری در هر زمان مناسب‌ترین پاسخ‌های کنشی و نیز واکنشی را در برابر این رفتارها از خود نشان دهند تا از این راه عدالت در بیشترین میزان خود در جامعه پدیدار شود.

یکی از مهم‌ترین اهداف حقوق کیفری اصلاح و بازپروری مجرمان است که در راستای تحقق آن نهاد توبه تأثیرگذاری چشمگیری دارد، چراکه توبه، ندامت درونی و روی‌گردانی از گناه، موجبات تخفیف و حتی سقوط مجازات را فراهم می‌آورد. در عصر کنونی جامعه‌شناسان معتقدند از مهم‌ترین شیوه‌های بازپروری مجرمان نهادینه‌سازی ارزش‌ها و حسنات است. از این‌رو توبه مجرم که تبلور ندامت و بازگشت او به سمت ارزش‌ها است از کامل‌ترین مصادیق به شمار می‌آید.

برای اولین بار توبه پس از انقلاب اسلامی در نظام کیفری ایران مطرح شد، بدین شرح که موجبات سقوط مجازات‌های حدی و نیز به صورت استثنا در مجازات‌های تعزیری بر اساس ضوابطی بیان شد. اما این موضوع در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ علاوه بر آنکه عیناً در مجازات‌های حدی پذیرفته شد، همراه با ضابطه در مجازات‌های تعزیری نیز موجب سقوط یا تخفیف مجازات دانسته شد. آنچه در قانون مصوب ۱۳۹۲ قانون‌گذار در آن تأمل، و به آن تصریح کرد احراز توبه بود که توبه واقعی شناخته شود و از تظاهر به توبه اجتناب گردد. لذا برای تظاهر به توبه، ضمانت اجرا مقرر شد (حاجی‌ده‌آبادی و رجیبی، ۱۳۹۴: ۸). از همین‌رو نهاد توبه با همه برجستگی‌های اصلاحی و بازپرورانه‌اش در حال حاضر نمود آشکاری در نظام عدالت کیفری ایران دارد.

بدین ترتیب از چشم‌انداز آموزه‌های حقوق کیفری عمومی باید خاطر نشان کرد که توبه در ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی، مشروط به آنکه به باور دادرس کیفری حقیقی و واقعی باشد، سبب مجازات‌نشدن مرتکب می‌شود. توبه در شرع از معاذیر قانونی معافیت از مجازات محسوب

می‌شود (طاهری، ۱۳۸۹: ۶). البته هم در حقوق کیفری عرفی و هم در دکترین فقه کیفری، شناسایی نهاد توبه و برآیندهای گوناگونش مستلزم احراز واقعی بودن آن است.

بدین ترتیب این نوشتار که با روش توصیفی تحلیلی نگاشته شده در صدد است بدین پرسش پاسخ دهد که: جایگاه توبه در حقوق کیفری، شرع و اسناد و آرای محاکم بین‌المللی چیست؟ برای دستیابی به این هدف، پس از مفهوم‌شناسی توبه، جایگاه آن در هر یک از سازه‌های پیش‌گفته مطالعه می‌شود.

۱. «توبه» در لغت و اصطلاح

توبه از ریشه «ت و ب» و در لغت به معنای «بازگشت یا بازگشت از گناه است» (ابن‌فارس، ۱۴۱۱: ۳۵۷). معنای اصطلاحی توبه نیز قرابت فراوان با معنای لغوی‌اش دارد. در اصطلاح نیز، «توبه» یعنی بازگشت مجرم از گناه. توبه تأسیس حقوقی محسوب می‌شود که بر اساس آن مجرم از گناه و عمل مجرمانه‌اش احساس ندامت واقعی و حقیقی می‌کند. از این‌رو مجازاتش کاهش می‌یابد و هدف قانون کیفری، که اصلاح مجرم است، تأمین می‌گردد. نکته در خور اعتنا اینکه لازم است این پدیده به دور از فریب‌کاری باشد و صداقت عملی توبه‌کننده در محضر دادگاه احراز شود. در غیر این صورت تأمین غرض نخواهد شد.

از چشم‌انداز حقوق تطبیقی باید خاطر نشان شود که در اسناد و آرای بین‌المللی و نظام‌های کیفری سرتاسر جهان تعریفی از «توبه» نشده است. با این حال، در بسیاری از نظام‌های یادشده از لفظ «پشیمانی» و «ندامت» استفاده شده است، به‌ویژه در بریتانیا نهاد پشیمانی فرد مرتکب بزه را سزاوار برخورداری از تخفیفات دادرسی کیفری می‌کند. به نظر می‌رسد برای تحقق توبه نیازمند دو عنصر توأمان هستیم. پشیمانی درونی از سویی و عزم و اراده جدی که منجر به تغییر عملکرد شود. بدین ترتیب لازم است دادرسی با استفاده از همه ابزارهای در دسترس به گونه‌ای مشروع در راه احراز ندامت درونی مرتکب بکوشد تا از این راه بتوان به تحقق مزایای گوناگون نهاد توبه در سیاست کیفری اسلام و ایران امیدوار بود.

۲. جایگاه توبه در شرع و رویکردهایش

بی‌گمان ارزیابی کلی نهاد توبه منوط به مطالعه جایگاهش در کتاب و سنت است تا از این راه مبانی، برآیندها و جلوه‌های اهمیت آشکار این نهاد در دکترین فقهی در نظر گرفته شود. این کار

می‌تواند به خوبی اهمیت فراوان و آشکار نهاد یادشده را در جامعه نشان دهد.

«توبه» و واژگان هم‌ریشه‌اش ۸۷ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است. علاوه بر آن، نهمین سوره قرآن نیز «توبه» خوانده شده که البته نام دیگرش «برائت» است (انصاریان، ۱۳۹۶: ۱۰۰). در قرآن، خود واژه «توبه» هفت مرتبه و فعل امر آن «توبوا» نیز هفت مرتبه به کار رفته است. بیشترین کاربردش به ترتیب در سوره‌های توبه (۱۷ مرتبه)، بقره (۱۲ مرتبه)، نساء (۱۱ مرتبه) و مائده (پنج مرتبه) است. بیشتر آیات مرتبط با توبه در سوره‌های مدنی آمده است (۶۴ مرتبه در ۱۳ سوره).

یکی از تشریح‌های قرآن توبه است و مسقط حدود محسوب می‌شود. همان‌گونه که شارع مقدس حدود را به عنوان مجازات متخلفان و گناهکاران پیش‌بینی کرده، توبه را نیز برای از بین بردن حدود یا تخفیفش پیش‌بینی کرده است. لذا تعبد به هر دو لازم است و نباید از اعمال رحمت خداوند خودداری یا مانع‌تراشی کرد. ناباوری به این اندیشه خود در تنافی آشکار با آموزه‌های اسلام است. بدین ترتیب دیده می‌شود که نظام عدالت کیفری ایران نیز در سال ۱۳۹۲ و در ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی با توجه به مبانی مهم و اثرگذار نهاد توبه، راجع به آن قاعده‌گذاری کیفری کرده است.

با وجود شواهد گوناگون در کتاب و سنت، شاید بتوان برجسته‌ترین دلیل درباره توبه را این گفتار خداوند متعال دانست که می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا تَوْبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَنْ يَكْفُرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، سوی خدا توبه خالصانه کنید، باشد که پروردگارتان گناهانتان را از شما بزداید و شما را در باغ‌هایی درآورد که از زیر (درختان) آنها نهرها جاری است» (التحریم: ۸). در این آیه، پروردگار آشکارا افزون بر تشریح توبه به مؤمنان نوید پذیرش آن را نیز می‌دهد تا از این راه کسانی که به هر دلیل مرتکب گناه می‌شوند با امیدواری به بخشایش پروردگار به درگاهش توبه کنند.

از منظر روایات نیز، خداوند توبه بنده‌اش را تا زمانی که روحش به حلقوم نرسیده است می‌پذیرد (ترمذی، ۱۴۰۵: ۵/۵۷۴). این گزاره به خوبی نشان‌دهنده جایگاه والای توبه در آموزه‌های اسلامی است. رویکرد نظام عدالت کیفری ایران به نهاد توبه در ماده ۱۱۴ قانون مجازات اسلامی نیز از این دیدگاه، مهم به نظر می‌رسد.

از آثار توبه در منابع اسلامی اثر باطنی توبه در زائل‌شدن گناه است که گناهکار با ادبار قلبی از گناه موجبات تعالی روح خود را فراهم می‌آورد و گناهان پرونده‌اش را به عمل نیکو تبدیل می‌کند. صوفیان معتقدند توبه تنبه و بیداری روح است (مصاحب، ۱۳۸۰: ۱/۶۶۷) که در پس این بیداری روح

هوشیار می‌شود و از جرایم و گناه دوری خواهد کرد. از این‌رو می‌توان انتظار داشت با فراگیر شدن اخلاقیات در جامعه حتی در صورت ارتکاب گناه و جرم، باز هم مرتکب با آگاهی از بدی‌های رفتار خود، تصمیمی جدی برای ترک واقعی آن بگیرد و بکوشد تا حد ممکن با جبران این وضع، در صدد بازگشت به سلوک مد نظر پروردگار باشد. در این صورت تردیدی نیست که ماهیت توبه کاملاً محقق شده است.

اما از دیگر آثار توبه اثر حقوقی و کیفری آن است که ناظر به از بین بردن مجازات یا تخفیف در آن است. در دکترین فقه کیفری و نیز حقوق کیفری عرفی ایران می‌توان گاه عبارت «رویکرد کیفری توبه» را دید. منظور از این عبارت توبه‌ای است که در پیشگاه دادرس انجام می‌شود و در صورت وجود شرایط مقرر در قانون، آثار ویژه‌ای به همراه خواهد آورد. آثار شناخته‌شده نهاد توبه و مؤلفه‌های مهمی همچون احراز واقعی یا حقیقی بودن آن در دادگاه از طریق دادرس کیفری انجام می‌شود. لذا لازم است با پیش‌بینی بسترهای لازم برای تحقق این رسالت، مرتکب، بزه‌دیده و نیز جامعه از مزایای گوناگون موجود در نهاد توبه برخوردار شوند.

۳. شرایط توبه و احراز آن

توبه به عنوان نهادی مهم در فقه و حقوق که سبب اجرانشدن مجازات بر مرتکب می‌شود بی‌گمان باید با شرایط ویژه‌ای همراه باشد تا از این راه بتوان واقعی‌بودنش را احراز کرد. مطالعه فراگیر هر یک از این شرایط می‌تواند ماهیت و قلمرو نهاد توبه را به خوبی نشان دهد. از جمله شرایط کمال توبه آن است که مرتکب بکوشد آثار کدورت و ظلمت را از دلش بزدايد و با عبادت و فرمان‌برداری از خدا حسنات را جایگزین سیئات کند تا بدین وسیله نور ناشی از عبادت جایگزین ظلمت ناشی از گناه او گردد.

۳. ۱. ضوابط توبه در اسقاط مجازات

در دکترین حقوق کیفری عرفی و نیز فقه کیفری بر لزوم وجود برخی شرایط برای شناسایی نهاد توبه تأکید شده است تا از این راه بتوان به تحقق هر یک از برآیندهای تعریف‌شده برای آن امیدوار بود. از این‌رو روشن می‌شود که مجازات موضوعیت ندارد، بلکه آنچه مراد قانون‌گذار و شارع مقدس است تنبه و اصلاح مجرم است. لذا اگر از مسیری غیر از مجازات به هدف اصلاح نائل آیند از مجازات صرف نظر می‌شود. روایات رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام نیز مؤید این مدعا است که

بررسی نهاد توبه از منظر قوانین جزایی ایران، شرع، اسناد و ... / ۳۱۳

ندامت مجرم و توبه و اصلاح بر اجرای حد یا مجازات اولویت دارد، چنانچه آمده است که امام علی (علیه السلام) پس از اقرار زناکار به گناهش، قبل از اقامه حد بر او فرمود: «به خدا قسم توبه میان خود و خدایش بهتر از اقامه حد از سوی من بر او است» (حر عاملی، ۱۴۱۶: ۳۱۱/۱۸).

در آیه ۱۷ سوره نساء بر لزوم توبه بدون فوت زمان و تعجیل در آن تصریح شده است: «انما التوبة على الله للذين يعملون السوء بجهالة ثم يتوبون من قريب فاولئك يتوب الله عليهم و كان الله عليماً حكيماً؛ اما خداوند توبه کسانی را به عهده گرفته که از روی نادانی اعمال زشتی انجام داده، آنگاه بدون فاصله توبه کنند و به سوی خدا باز گردند، اینها هستند که خدا هم به سويشان برمی گردد و خدا دانایی خردمند است». قرآن ارکانی را به شرح زیر برای پذیرش توبه احصا می کند:

الف. پشیمانی و ادبار قلبی به گناه؛ این عنصر از بایدهای ضروری توبه به شمار می آید و خود گویای آگاهی و هوشیاری مجرم از جرم و ماهیت هنجارشکن جرم است. البته بدون احراز پشیمانی واقعی نمی توان به تحقق توبه واقعی امیدوار بود، چراکه در هر زمان امکان ارتکاب دوباره اش وجود دارد.

قانون گذار در ماده ۱۱۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، برای پذیرش توبه، پشیمانی و اصلاح توبه کننده را شرط کرده و بر احراز آن تأکید کرده و بیان داشته که از جمله شرایط پذیرش توبه احراز توبه است و صرف ادعای توبه از مجرم پذیرفته نیست و در صورتی که ادعای توبه کذب باشد و توبه احراز نشود تخفیفات مجازاتی برداشته می شود و مجازات مجرم تثبیت می گردد. نکته در خور تأمل اینکه از باب تنبیه در صورتی که ماهیت مجازات تعزیری باشد مجرم به اشد مجازات تعزیری و حداکثر آن محکوم خواهد شد.

همچنین، نهاد توبه، همانند حقوق کیفری داخلی در قلمرو حقوق کیفری بین المللی نیز تبلور یافته است. نه اساس نامه ها و نه هیچ کدام از مقررات بین المللی از توبه یا پشیمانی به عنوان عامل مخففه یا مسقط نامی نبرده اند، اما در همان اسناد بین المللی، در بند دوم هر دو ماده ۲۳ و ۲۴ اساس نامه دادگاه های کیفری بین المللی اختصاصی می توان این مسئله را برداشت کرد. این مطلب، همچنین از عمومیت بند ج قاعده ۱۴۵ و حتی بند ۱ قسمت الف (a) این قاعده استنباط می شود. به عبارتی، از مفهوم عام این بند که امکان وجود و احراز چنین کیفیاتی را که صراحتاً مخففه نیستند اما نزدیک اند، تجویز می کند، می توان فهمید که ادعای پشیمانی جنایت کار بین المللی نیز می تواند به عنوان یکی از کیفیات مخففه ارزیابی شود.

ب. عزم و اراده در بازنگشتن به جرم: ندامت با اوصاف مذکور، عزم و اراده را برمی‌انگیزد که منشأ حرکت و سیر به سوی نیکی‌ها است؛ زیرا محال است کسی در انجام‌دادن کاری، اصرار و پافشاری داشته باشد، و در عین حال پشیمان و نادم هم باشد. خداوند می‌فرماید: «ولم یصروا علی ما فعلوا؛ بر آنچه مرتکب شده‌اند، پافشاری ندارند» (آل عمران: ۱۳۵). در واقع، بدون اراده آشکار مرتکب برای بازنگشتن به جرم اساساً توبه‌ای روی نداده و اقدامات انجام‌شده صرفاً مانعی در برابر برقراری عدالت و وسیله به تأخیر انداختنش به شمار می‌آید.

ج. عنصر تأخیر عمدی در توبه: بر پایه آموزه‌های برخاسته از کتاب و سنت، مادامی که فرد گناهکار عزم توبه دارد نباید در انجام‌دادنش تعلل ورزد و آن را به تأخیر بیندازد، چنانچه در قرآن آمده است: «إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهَالَةٍ ثُمَّ يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا* وَ لَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّى إِذَا حَضَرَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْآنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَ هُمْ كَفَّارٌ أُولَئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا؛ توبه نزد خداوند تنها برای کسانی است که از روی نادانی مرتکب گناه می‌شوند، سپس به‌زودی توبه می‌کنند. اینان اند که خدا توبه‌شان را می‌پذیرد و خداوند دانای حکیم است و توبه کسانی که گناه می‌کنند تا وقتی که مرگ یکی از ایشان در رسد می‌گوید اکنون توبه کردم پذیرفته نیست و [نیز توبه] کسانی که در حال کفر می‌میرند پذیرفته نخواهد بود. آنان‌اند که برایشان عذابی دردناک آماده کرده‌ایم» (نساء: ۱۷-۱۸).

د. جبران گذشته؛ شرط دیگر قبولی توبه، جبران گذشته است. در واقع، بیان باورمندی مرتکب به نادرستی رفتارش هنگامی پذیرفتنی است که وی در صدد جبران گذشته نیز باشد و در عمل و به‌طور واقعی به این کار مبادرت ورزد. در غیر این صورت می‌توان اظهارات وی و ادعای توبه را صرفاً گامی برای دورماندن از فرآیند کیفری و سرانجام ضمانت اجرای کیفری مقرر در قانون برای جرم ارتكابی وی دانست.

در مقام مصداق‌شناسی «جبران»، قرآن به نمونه‌هایی تصریح کرده است:

۱. ضرورت اصلاح توبه‌کننده؛ قطعاً صرف ندامت قلبی موجبات تحول مجرم را فراهم نمی‌آورد و ضروری است تائب گامی در راستای اصلاح و تغییر خود بردارد و در صدد جبران مافات برآید. از این‌رو با توجه به ماهیت جرم مرتکب‌شده و به اقتضای آن، جبران خطا می‌کند.

در قرآن واژه «توبه» بعد از برخی جرایم مانند سرقت، قذف و ارتداد به کار برده شده

است. از این رو روشن است که توبه پس از سرقت زمانی شکل می‌گیرد که تائب اقدام به عودت مال مسروقه کند و عمل مجرمانه‌اش را علاوه بر ندامت به جبران تکمیل کند یا در قذف، حیثیت از دست رفته فرد را جبران کند و رضایت خاطر فرد را به دست آورد. قانون‌گذار نیز در پذیرش نهاد توبه به این نکته توجه داشته و اقدام اصلاحی و جبرانی تائب را ملاک تخفیف مجازات برمی‌شمرد، چنانچه در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ آمده است: «کوشش متهم به منظور تخفیف آثار جرم یا اقدام وی برای جبران زیان ناشی از آن» (نک: امینی و طاهری، ۱۳۹۳: ۱۳). در واقع، هر یک از نهادهای کیفری نظیر توبه باید همانند ارتکاب گناه و جرم، خود نیز دارای برآیندهای عملی آشکاری باشند تا از این راه برقراری عدالت کاملاً محرز شود. لذا بازسازی کامل خسارات گذشته اهمیتی افزون می‌یابد.

۲. **اعتراف ناشی از ندامت؛** برخی معتقدند مادامی که فرد اعتراف به گناه نکند ندامت در درونش شکل نگرفته است (ابن‌قیم جوزیه، ۱۴۰۸: ۳۱۶/۱) و چون ندامت شرط تحقق توبه و مقدمه تخفیف مجازات است، اعتراف از ارکان محل توجه مقنن و شارع مقدس است. قانون‌گذار نیز در ماده ۳۷ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، آورده است: «ب. همکاری مؤثر متهم در شناسایی شرکا یا معاونان، تحصیل ادله یا کشف اموال و اشیای حاصله از جرم یا به‌کاررفته برای ارتکاب آن»؛ «ت. اعلام متهم قبل از تعقیب یا اقرار مؤثر او در حین تحقیق و رسیدگی». همان‌گونه که در بند ب نیز آورده شده است، همکاری باید مؤثر باشد، وگرنه گاهی رفتارها و عباراتی که با عنوان همکاری انجام می‌شود جز به تأخیر انداختن اجرای عدالت و سرگردانی نظام عدالت کیفری سودی ندارد.

۳. ۲. شیوه‌های احراز توبه

ماده ۱۱۷ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲، بیان می‌دارد: «در مواردی که توبه مرتکب، موجب سقوط یا تخفیف مجازات می‌گردد، توبه، اصلاح و ندامت وی باید احراز گردد و به ادعای مرتکب اکتفا نمی‌شود. چنانچه پس از اعمال مقررات راجع به توبه، ثابت شود که مرتکب تظاهر به توبه کرده است سقوط مجازات و تخفیفات در نظر گرفته شده ملغاً و مجازات اجرا می‌گردد. در این مورد چنانچه مجازات از نوع تعزیر باشد مرتکب به حداکثر مجازات تعزیری محکوم می‌شود». یکی از دشواری‌های پیش روی قوانین حوزه توبه، فقدان ضابطه روشن در اثبات توبه

است که به نظر می‌رسد لازم است قانون‌گذار برای اثباتش قواعد و ملاکاتی را به منظور پرهیز از تشتت آرا و ایجاد وحدت رویه پیش‌بینی کند تا در مسیر اثبات توبه تعیین‌کننده باشد. از این‌رو همکاری تائب در روشن‌شدن ابعاد جرم یا مجرمان، یا تلاش او برای جبران خسارات ناشی از جرم می‌تواند به عنوان راهکار محل توجه قرار گیرد.

۳.۳. لزوم توبه‌کردن قبل از قطعیت حکم

ماده ۱۱۸ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد: «متهم می‌تواند تا قبل از قطعیت حکم، ادله مربوط به توبه خود را حسب مورد به مقام تعقیب یا رسیدگی ارائه نماید». ماده مذکور بر لزوم توبه‌کردن تا قبل از صدور نهایی حکم تصریح دارد. از این‌رو پس از تحقق جرم، مادامی که مجرم در فرآیند رسیدگی، اعم از مراحل اولیه و مقدماتی یا مراحل پایانی دادرسی یا دادگاه، است امکان بهره‌گیری از نهاد توبه را دارد، اما به محض صدور حکم قطعی این امکان از او سلب می‌شود و امکان تقاضای دادرسی مجدد بعد از توبه فراهم نیست. ماده ۱۳ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۹۲ بیان می‌دارد: «تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و همچنین اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر: الف. فوت متهم یا محکوم علیه؛ ب. گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم قابل گذشت؛ پ. شمول عفو؛ ت. نسخ مجازات قانونی؛ ث. شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون؛ ج. توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون؛ چ. اعتبار امر مختوم».

این ماده معادل ماده ۶ قانون ۱۳۷۸ است، با این تفاوت که در آن ماده به توبه متهم اشاره نشده است. لذا تکلیف دادرسی در صورت توبه معاف‌کننده متهم با وجود تمام شرایط قانونی، صدور قرار موقوفی تعقیب است. اما اگر توبه در دادگاه محقق شود، تکلیف دادگاه چیست؟ به نظر می‌رسد با توجه به عمومیت ماده ۱۳ و همچنین با توجه به اینکه قرار موقوفی تعقیب نیز مطابق تبصره ۲ ماده ۴۲۷ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ و تبصره ماده ۲۳۲ قانون ۱۳۷۸، می‌تواند از جمله آرای صادره در دادگاه باشد، دادگاه هم باید قرار موقوفی تعقیب صادر کند و توبه در دادگاه محل صدور حکم برائت نیست؛ امری که در حال حاضر هم در رویه محاکم کیفری دیده می‌شود (صابر و رفیع‌زاده، ۱۳۹۴: ۷۱). ماده ۱۱۹ بیان می‌دارد: «چنانچه دادستان مخالف سقوط یا تخفیف مجازات باشد، می‌تواند به مرجع تجدیدنظر اعتراض کند». دادستان به عنوان نماینده جامعه این حق را دارد که به برائت یا تخفیف مجازات بی‌وجه متهم اعتراض کند. مخالفت دادستان می‌تواند به دلایلی

بررسی نهاد توبه از منظر قوانین جزایی ایران، شرع، اسناد و ... / ۳۱۷

همچون احراز نشدن اصلاح و ندامت متهم یا فقدان دیگر شرایط قانونی برای اعمال توبه باشد (آقایی نیا، ۱۳۹۳: ۳۹۷). این ظرفیت می‌تواند راهبردی مناسب برای توبه‌های دروغین یا غیرواقعی باشد که در آن مرتکب به منظور گریز از روند سزادهی جامعه بدان متوسل می‌شود.

۴. توبه و کیفیات مخففه

مطالعه نهاد کیفری توبه از چشم‌انداز گونه‌های کیفیات مخففه نیز اهمیت دارد. لذا در ادامه پس از ارزیابی فشرده کیفیات پیش‌گفته، توبه از دیدگاه هر یک از این گونه‌ها مطالعه می‌شود.

۴.۱. کیفیات مخففه قانونی

قانون‌گذار در هنگام قاعده‌گذاری کیفری وجود کیفیات خاصی را در هنگام ارتکاب جرم برای تخفیف در مجازات مرتکب لازم می‌داند. از جهت اینکه کیفیات مخففه قانونی، مخصوص قانون است و وعده قانون‌گذار، لذا به جرایمی اختصاص دارد که در متن قانون احصا و به آن تصریح شده است (ولیدی، ۱۳۹۳: ۱۲۳). بدین ترتیب در راستای حاکمیت قانون و پاس‌داشت اصل قانونی‌بودن جرم و مجازات لازم است کیفیات پیش‌گفته نیز در هنگام تعیین واکنش اجتماعی به جرم، محل توجه دادرس کیفری قرار گیرد. زیرا نقش توبه، تخفیف در مجازات متعلق به مجرم نیست، بلکه فی‌نفسه موجب حذف مجازات از جرم است. در عین حال، باید تصریح کرد که معاذیر مخففه و توبه، اصولاً بعد از وقوع جرم حاصل می‌شوند و انصرافی به زمان قبل از ارتکاب ندارند. به عبارت بهتر، جایگاه پدیداری هر یک از نهادهای کیفیات مخففه و نیز توبه در بازه زمانی پس‌اجرم است که در پی آن، در روند واکنش اجتماعی به رفتار مجرمانه تعدیلاتی انجام می‌شود.

۴.۲. کیفیات مخففه قضایی

در مقابل گونه قانونی، کیفیات مخففه قضایی اصول کلی برای تخفیف مجازات معین می‌کند و کاربری‌اش منوط به استنباط قاضی است (همان: ۱۲۴). به عبارت دیگر، در این امور، برخلاف کیفیات مخففه قانونی، دادرس کیفری اختیار دارد در صورت استنباط وجود شرایط خاص آن را اعمال کند. لذا تفاوت ماهوی آشکار میان این دو گونه از کیفیات مخففه دیده می‌شود.

در دکترین بین‌المللی آیین دادرسی کیفری، مفهوم «اختیارات صلاح‌دیدی دادرس کیفری» اهمیت بسیار دارد و می‌تواند به خوبی زمینه مناسبی برای اعمال کیفیات مخففه قضایی فراهم کند.

در نتیجه مناسب است که با استفاده از ابزارهای گوناگون در راه پُررنگ کردن این ویژگی کوشش شود. افزون بر این، منشأ اصول مفروض که مبنای اعمال کیفیات مخففه است همچنان که ممکن است قبل از حدوث جرم، موضوعیت داشته باشد چه بسا بعد از حدوث جرم موضوعیت پیدا کند و حتی این کیفیات می‌تواند به اوضاع و احوال حاکم در زمان ارتکاب جرم مربوط باشد، از قبیل رفتار تحریک‌آمیز مجنی‌علیه و وجود انگیزه شرافتمندانه و ... (افراسیابی، ۱۳۸۹: ۳۰۳/۲). اما توبه صرفاً بعد از وقوع جرم متصور است و حدوث آن در زمان وقوع با قبل از آن بی‌معنا است. از سوی دیگر، کیفیات مخففه جنبه الزامی ندارد و اختیار قاضی با وجود استنباط شرایط مذکور، انکارناپذیر است (نوربها، ۱۳۹۳: ۱۴۲). همچنین، کیفیات مخففه حداکثر موجبات تنزیل مجازات را فراهم می‌آورد، ولی به هیچ وجه موجب حذف مجازات نخواهد شد. متقابلاً توبه جنبه الزامی دارد و اگر دادرس احراز کند مجازات را از روند سزادهی حذف خواهد کرد. بنابراین، آنچه نکته تمایز اساسی است اختیاری بودن اعمال کیفیات مخففه قضایی است، در حالی که با وجود احراز توبه و حصول شرایط، ترتب اثر توبه حتمی است.

این استدلال خدشه‌پذیر است. مجازات زمانی محقق می‌شود که محکومیتی اثبات شود، زیرا در فرض عدم محکومیت طبیعت، استحقاق مجازاتی وجود نخواهد داشت تا توبه عامل رفع آن و وسیله سقوطش شود. لذا همان‌گونه که در کیفیات مخففه قضایی اعمال تخفیف بدون محکومیت منتفی است در توبه نیز چنین است.

۴.۳. انصراف ارادی به عنوان عذر مخففه

شاید بتوان در مفاهیم عرفی حقوق جزا که در مباحث مربوط به شروع جرم و انصراف ارادی از اتهام جرم بررسی می‌شود، گریز و تقابلی راجع به توبه ایجاد کرد. با توجه به اینکه انصراف ارادی از اتمام جرم، گاه از موجبات تخفیف محسوب می‌شود، بنابراین توبه مستلزم وقوع فعل مجرمانه و حصول اوضاع و احوال نفسانی و کیفیات روحی و نهایتاً حصول توبه است، ولی مسلماً انصراف با وجود تشابه در برگشت متصرف در مراحل مربوط به قبل از اتمام جرم است که حتی ممکن است وصف شروع به جرم نیز به عملیات انجام‌شده نتوان اطلاق کرد.

۴.۴. عذرهای معاف‌کننده

عذرهای معاف‌کننده نوعی از اسباب و عوامل معافیت از مجازات است که بنا بر فواید

اجتماعی و اعمال سیاست‌های تعیین‌شده در امور کیفری، که به جرایم تصریحی قانون‌گذار اختصاص دارد، موجب معافیت بزه‌کار از مجازات می‌شود و این معاذیر در صورت احراز دادگاه نمی‌تواند بی‌ثمر و بدون تأثیر گذاشته شود. نفوذ الزامی آنها مفروض قانونی است و معاذیر معاف‌کننده از این جهت با نهاد توبه حداقل در مرحله پیش از اثبات جرم همگن است. با این تفاوت که این معاذیر هرچند همانند توبه ممکن است به زوال کامل مجازات بینجامد، ولی چه‌بسا در زمان قبل از وقوع جرم یا در حین وقوع جرم وجود داشته باشد، برخلاف نهاد توبه که قبل از وقوع جرم یا در حین وقوع جرم تحقق‌پذیر نیست و زمانی توبه‌کردن میسر است که جرم واقع شده باشد (محسنی، ۱۳۸۴: ۱۳۸).

۵. توبه به عنوان کیفیت مخففه در اسناد و آرای محاکم کیفری بین‌المللی

با توجه به اینکه نهاد توبه، تأسیسی اسلامی است در اسناد بین‌المللی به این نهاد پرداخته نشده و با جست‌وجو در اسناد و آرای محاکم کیفری با اصطلاح «پشیمانی» که تقریباً مشابه «توبه» در حقوق کیفری است مواجه خواهیم شد. باید گفت اساس‌نامه‌ها و مقررات آیین دادرسی و ادله دادگاه‌های کیفری بین‌المللی همچون دیوان از «پشیمانی» به عنوان یکی از کیفیات مخففه سخنی به میان نمی‌آورند. با این همه، می‌توان این موضوع را از بند دوم هر دو ماده ۲۳ و ۲۴ اساس‌نامه دادگاه‌های کیفری بین‌المللی اختصاصی استنباط کرد. این امر، همچنین از عمومیت بند ج قاعده ۱۴۵ و حتی بند ۱ قسمت الف (a) این قاعده توجیه‌شدنی است. به عبارتی از مفهوم عام این بند، که امکان وجود و احراز چنین کیفیاتی را تجویز می‌کند که صراحتاً مخففه نیستند، اما نزدیک‌اند، می‌توان فهمید که ادعای پشیمانی جنایت‌کار بین‌المللی نیز می‌تواند به عنوان یکی از کیفیات مخففه ارزیابی شود. در هر صورت به نظر می‌رسد کاربرد این اصطلاح در حقوق کیفری بین‌المللی به استفاده از اصطلاح «توبه» در حقوق کیفری داخلی شبیه باشد. در واقع، همان‌طور که توبه طبیعت خلاف‌کارانه جرم را پاک و حذف نمی‌کند و فقط قاضی خواهد توانست آن را به عنوان عاملی برای تخفیف کیفر در نظر بگیرد، پشیمانی هم در حقوق کیفری بین‌المللی چنین نقشی دارد (رضوی‌فرد، ۱۳۹۵: ۲۳).

نتیجه

سازمان‌دهی پاسخ در برابر جرم یکی از الزامات مهم جوامع انسانی در برابر پدیده مجرمانه است که در هر زمان می‌تواند برآیندها یا پیامدهای گوناگونی پدید می‌آورد. لذا هر یک از سازه‌های نظام حقوقی شامل دکتین، قانون‌گذار و رویه قضایی باید در روندهای عملیاتی‌شان به بهینه‌سازی این عملکرد مبادرت ورزند. با عنایت به هدف شارع مقدس در اصلاح و بازپروری مجرمان، فقها و به تبع ایشان قانون‌گذار به نهاد توبه توجه کرده است. قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۹۲ در مواد ۱۱۴ تا ۱۱۹ ضوابط این نهاد را تبیین کرد.

یکی از مهم‌ترین کارکردهای توبه، سقوط مجازات است. توبه از عوامل بازگشت به سوی خدا است که علاوه بر آثار اخروی گاه موجب سقوط مجازات‌ها می‌شود. شرع و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ در رویکردی تحسین‌برانگیز و در تبعیت از منابع شرعی، تأسیس توبه را به عنوان یکی از قواعد حقوق جزای عمومی مطرح کرده است. مشهور فقهای امامیه توبه قبل از دستگیری و اثبات جرم، و حتی بعد از اقرار را موجب سقوط مجازات می‌دانند، اما اگر جرم با شهادت شهود ثابت شده باشد آن را بی‌اثر لحاظ می‌کنند. قانون‌گذار ما هم در این موضوع از نظر مشهور فقهای امامیه پیروی کرده است. طبق این دیدگاه، توبه صرفاً موجب سقوط مجازات‌هایی است که جنبه حق‌الاهی محض دارند و در حق‌الناس فاقد اثر است. لذا در مجازات قذف و محاربه بعد از اثبات و تسلط بر مجرم از موجبات تخفیف و سقوط مجازات نیست. نهادهای مختلفی وجود دارد که شبیه نهاد توبه است، از جمله «جهات مخففه کیفر» که در شرع و مقررات جزایی ایران بدانها پرداخته شده است. اما در اسناد و آرای محاکم کیفری بین‌المللی، نامی از «توبه» نیست و فقط از «ندامت» و «پشیمانی» سخن به میان آمده و یکی از کیفیات مخففه جرم دانسته شده است.

منابع

قرآن کریم.

آقایی، حسین (۱۳۹۳). حقوق کیفری عمومی، تهران: جنگل.

ابن فارس، احمد (۱۴۱۱). معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبد السلام محمد هارون، بیروت: دار الجیل.

ابن قیم الجوزیه، شمس الدین محمد (۱۴۰۸). اعلام الموقعین عن رب العالمین، به کوشش: طه الرئوف سعد، قاهره: النهضة الجديدة.

افراسیابی، محمد اسماعیل (۱۳۸۹). حقوق جزای عمومی، تهران: فردوسی، ج ۱.

امینی، جهاندار؛ طاهری، محمد علی (۱۳۹۳). «توبه و تأثیر آن بر حدود از دیدگاه فقه مقارن و قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، در: مجله حقوقی دادگستری، ش ۸۶، ص ۳۵-۶۲.

انصاریان، حسین (۱۳۹۶). توبه: آغوش رحمت، قم: دار العرفان، چاپ هفتم.

ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۵). الجامع الصحیح سنن الترمذی، تحقیق: احمد محمد شاکر، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

حاجی ده‌آبادی، احمد؛ رجبی، محمد (۱۳۹۴). «تأملی بر مقررات توبه در قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲»، در: حقوق اسلامی، ش ۱۲ (۴۶)، ص ۷-۳۱.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). وسائل الشیعة، تهران: المكتبة الإسلامية.

حسانی، جلال‌الدین؛ میرخلیلی، سید محمود؛ نظری‌نژاد، محمدرضا (۱۴۰۰). «رهیافت مدیریت ریسک جرم و جایگاه آن در نظام عدالت کیفری ایران»، در: پژوهش‌نامه حقوق کیفری، ش ۱۲، ص ۲۳-۵۲.

رضوی فرد، بهزاد (۱۳۹۵). «کیفیات مخففه کیفر در اسناد و آرای محاکم کیفری بین‌المللی»، در: پژوهش حقوق کیفری، ش ۴ (۱۴)، ص ۹-۳۴.

صابر، محمود؛ رفیع‌زاده، علی (۱۳۹۴). «مقررات ماهوی و شکلی توبه در نظام قانون‌گذاری کیفری ایران»، در: دیدگاه‌های حقوق قضایی، ش ۷۱، ص ۷۳-۹۴.

طاهری، حبیب‌الله (۱۳۸۹). «نقش توبه در اسقاط حدود»، در: پژوهش‌های فقهی، ش (۶) ۲، ص ۵-۲۷.

محسنی، محمد (۱۳۸۴). «مقایسه و تطبیق مفهوم توبه و آثار آن با مفاهیم مشابه حقوق جزای عمومی»، در: فقه و مبانی حقوق، ش ۳، ص ۱۳۱-۱۴۱.

مصاحب، غلام‌حسین (۱۳۸۰). دائرةالمعارف فارسی، تهران: امیرکبیر.

نوربها، رضا (۱۳۹۳). زمینه حقوق جزای عمومی، تهران: دادآفرین.

ولیدی، محمد صالح (۱۳۹۳). حقوق جزای عمومی، تهران: داد.

References

The Holy Quran.

Afrasiyabi, Mohammad Ismail. 2011. *Hoghugh Jazay Omumi (General Criminal Law)*, Tehran: Ferdowsi, vo. 1. [in Farsi]

Aghayi, Hoseyn. 2015. *Hoghugh Keyfari Omumi (General Criminal Law)*, Tehran: Jungle. [in Farsi]

Amini, Jahandar; Taheri, Mohammad Ali. 2015. "Tobeh wa Tathir An bar Hodud az Didgah Feghh Mogharen wa Ghanun Mojazat Islami 1392 (Repentance and Its Effect on Hadd Offences from the Perspective of Contemporary Jurisprudence and the Islamic Penal Code 2014)", in: *The Judiciary Law Journal*, no. 86, pp. 35-62. [in Farsi]

Ansariyan, Hoseyn. 2018. *Tobeh Aghush Rahmat (Repentance as an Embrace of Mercy)*, Qom: Mysticism House, Seventh Edition. [in Farsi]

Haji Dehabadi, Ahmad; Rajabi, Mohammad. 2016. "Taammoli bar Mogharrarat Tobeh dar Ghanun Mojazat Islami 1392 (A Reflection on the Provisions of Repentance in the Islamic Penal Code 2014)", in: *Islamic Law*, no. 12 (46), pp. 7-31. [in Farsi]

Hassani, Jalal al-Din; Mir Khalili, Seyyed Mahmud; Nazarinegad, Mohammad Reza. 2022. "Rahyaft Modiriyat Risk Jorm wa Jaygah An dar Nezam Edalat Keyfari Iran (Approach to Crime Risk Management and Its Place in the Iranian Criminal Justice System)", in: *Criminal Law Research*, yr. 12, no. 23, pp. 27-52. [in Farsi]

Horr Aameli, Mohammad ibn Hasan. 1995. *Wasael al-Shiah (The Means of the Shiites)*, Tehran: Islamic Press. [in Arabic]

Ibn Fares, Ahmad. 1991. *Mojam Maghayis al-Loghah (Dictionary of Comparative Language)*, Researched by Abd al-Salam Mohammad Harun, Beirut: Al-Jayl House. [in Arabic]

Ibn Ghayyem al-Jawziyah, Shams al-Din Mohammad. 1988. *Elam al-Mowaghgheayn an Rabb al-Alamin*, Prepared by Taha al-Rauf Sad, Cairo: New Renaissance. [in Arabic]

Mohseni, Mohammad. 2006. "Moghayeseh wa Tatbigh Mafhum Tobeh wa Athar An ba Mafahim Moshabeh Hoghugh Jazay Omumi (Comparing and Adapting the Concept of Repentance and Its Effects with Similar Concepts of General Criminal Law)", in: *Jurisprudence and Fundamentals of Law*, no. 3, pp. 131-141. [in Farsi]

بررسی نهاد توبه از منظر قوانین جزایی ایران، شرع، اسناد و ... / ۳۲۳

- Mosaheb, Gholam Hoseyn. 2002. *Daerah al-Maaref Farsi (Persian Encyclopedia)*, Tehran: Amirkabir. [in Farsi]
- Nurbaha, Reza. 2015. *Zamineh Hoghugh Jazay Omumi (Areas of General Criminal Law)*, Tehran: Dad Afarin. [in Farsi]
- Piquero, Alex. 2016. *The Handbook of Criminological Theory*, London: Sage Publication.
- Razawifard, Behzad. 2017. "Keyfiyat Mokhaffafeh Keyfar dar Asnad wa Aray Mahakem Keyfari Beyn al-Melali (The Mitigating Qualities of Punishment in the Documents and Verdicts of International Criminal Courts)", in: *Criminal Law Research*, no. 4 (14), pp. 9-34. [in Farsi]
- Saber, Mahmud; Rafizadeh, Ali. 2016. "Mogharrarat Mahowi wa Shekli Tobeh dar Nezam Ghanungozari Keyfari Iran (Substantive and Formal Regulations of Repentance in the Iranian Criminal Law System)", in: *Judicial Law Views*, no. 71, pp. 73-94. [in Farsi]
- Taheri, Habibollah. 2011. "Naghsh Tobeh dar Esghat Hodud (The Role of Repentance in the Abolition of Hadd Punishment)", in: *Islamic Jurisprudence Research*, no. 6 (2), pp. 5-27. [in Farsi]
- Termezi, Mohammad ibn Isa. 1985. *Al-Jame al-Sahih Sonan al-Termezi*, Researched by Ahmad Mohammad Shaker, Beirut: Arab Heritage Revival House. [in Arabic]
- Walidi, Mohammad Saleh. 2015. *Hoghugh Jazay Omumi (General Criminal Law)*, Tehran: Justice. [in Farsi]

